

## مبانی حقوقی تردید در صلاحیت قاضی با نگاهی به فقه امامیه

یحیی جعفری<sup>۱</sup>، احمدرضا خزایی<sup>۲\*</sup>، جمشید معصومی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۵/۳)

### چکیده

مواجه شدن با تردید صلاحیت قاضی پس از انتصاب وی به سمت قضا، موضوعی است که از آن می‌توان به چالش همیشگی قوه قضائیه در نظارت بر عملکرد قضات یاد کرد؛ گرچه برخی تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه تا حدودی می‌تواند موجبات تزلزل در خلیات و در نتیجه اوصاف یک قاضی را موجب شود، لکن جایگاه خطیر قضاوت و ایضاً عواقب دنیوی و اخروی عملکرد ناصواب قاضی، حساسیت این مهم را دوچندان کرده است. این پژوهش در پی تحلیل حقوقی تردید در صلاحیت قاضی با نگاهی مستند به فقه امامیه و بررسی چالش‌های فرارو است تا چراغی هر چند کم‌سو در این حوزه، که علی‌رغم اهمیت زیاد آن در مکتوبات و مستندات فقیر است، روشن شود.

**واژگان کلیدی:** تردید، صلاحیت قاضی، عملکرد قاضی، قاضی، قضا.

### طرح مسئله

صلاحیت قضات منصوب در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از مبانی فقهی و اسلامی و روایات منصوص وارده از ائمه اطهار "سلام الله علیهم اجمعین" می‌باشد که در قالب قوانین و مقررات گزینش، جذب و استخدام قضات تدوین شده و این نیز مجری است، لکن بیان مسأله در این مقاله به تردید بعد از تأیید صلاحیت قضات و تصدی منصب قضا رجوع خواهد داشت. در مواردی که به هر

Email: Ahm.Khazaei@iauctb.ac.ir

۲. نویسنده مسؤول. دکتر در فقه و مبانی حقوق اسلامی

تلفن: ۰۹۱۲۴۳۵۴۹۹۸ - دورنگار: ۲۲۴۲۰۶۲۹ (۰۲۱)

دلیل می‌تواند ناشی از رفتارهای اجتماعی، رفتارهای خلاف شأن قضاوت، مراودات اقتصادی غیرمتعارف، مسائل سوء مالی و اخلاقی و ... باشد، که این مهم، می‌بایست پس از بررسی گزارش‌های وارده و اخذ نظر شخص قاضی مخاطب، اتخاذ تصمیم گردد.

به هر تقدیر، تردید در صلاحیت قاضی، از موارد مهمی است که شاید به دلیل مقدس بودن منصب قضا و شأن قاضی، تاکنون نقدی بر آن نشده است، که در این پژوهش، با بیان مبانی حقوقی<sup>۱</sup> و فقهی تردید در صلاحیت قاضی<sup>۲</sup> به تحلیل آن از منظر فقه امامیه و قوانین جاری می‌پردازد.

### قضاوت در دیدگاه اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، برقراری عدل و برابری میان مردم جامعه را امری لازم و تشکیل دستگاه قضاوت با هدف برپایی عدالت را پیش‌نیاز آن می‌داند. شرایط قضاوت در جامعه اسلامی به گونه‌ای وضع شده است که جان و مال و ناموس مردم به دست افراد ناشایست نیفتد و حقوق فرد و جامعه فدای غرض‌ورزی‌ها و خواسته‌های شخصی یا گروه‌های سودجو و منحرف نشود. شایان ذکر است که اسلام، بیش از هر چیز، مردم را از کشمکش و درگیری نهی می‌کند؛ چنانچه امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: از اختلاف و نزاع دوری کنید، زیرا نزاع، قلب‌های برادران دینی را نسبت به یکدیگر بیمار می‌کند و در آنها خار نفاق می‌رویانند<sup>۳</sup> (مجله طوبی، ۱۳۸۵، ش ۱۵).

به درستی می‌توان ضرورت قضاوت از دیدگاه اسلام را مطابق مقدمه قانون اساسی، این گونه بیان نمود که: «مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری است حیاتی. از این رو، ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است»، که اجرای این عدالت، توسط قاضی عادل و آگاه به علم روز (متعهد و متخصص) میسر خواهد شد، لکن در

۱. گرچه تعاریفی متفاوت از حقوق، از جمله امتیازات یک شخص در جامعه، اراده اعمال حق و غیره بعمل آمده است، لکن غرض از حقوق در این پژوهش، مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر اشخاص و دارای ضمانت اجرایی قانونی می‌باشد، که سه عنصر، کلیت و عمومیت، الزام‌آور و تضمین دولت‌ها در مرحله اجرای آن را در خود جای داده است.

۲. پیرامون واژه صلاحیت، تفاسیری از قبیل، توانایی و شایستگی را به کار برده‌اند و شایستگی قانونی دادگاه برای رسیدگی به دعوی خاصی در اصطلاح حقوقی، صلاحیت نامیده می‌شود، لکن بهتر است صلاحیت در این پژوهش به تأسی از لغت‌نامه‌های متداول، اهلیت و سزاواری تعبیر شود و ملاک و محور صلاحیت، همان اهلیت یک قاضی برای تصدی پست قضاوت مدنظر قرار گیرد.

۳. قال امیر المؤمنین، علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَ الْمَرَءَ وَ الْخُصْمَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَبْتِئُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ» (امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۳۷۴/۱).

پاره‌ای موارد، قضاوت ظهوریافته توسط قضات دچار نقص و ابهام می‌شود و این خود، از موجباتی است که در صلاحیت قاضی منصوب، پس از اعطای این منصب، "تردید" ظهور می‌کند.

تحلیل تردید در صلاحیت قاضی منصوب، از چند جنبه واجد اهمیت است:

۱. اگر هدف از دین، اعتلای اخلاق و هدایت فرد تا کمال انسانی باشد، لازم است از انحراف قاضی جلوگیری شود. در این میان حدیث مشهور از امام صادق (ع) نقل شده است، که می‌فرماید: «نواویس (که جایگاهی است در دوزخ) از گرمای سخت خود به درگاه خداوند عز و جل شکایت کرد. پس خداوند عز و جل خطاب بدان فرمود: ساکت باش؛ همانا جایگاه قاضیان، گرمایش سخت‌تر از توست!»<sup>۱</sup> (محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ۴۷۷/۹)؛

۲. اگر هدف از قضاوت، بسط عدالت دانسته شود، به منصب قضا نشان دادن فرد فاقد صلاحیت، خدشه‌دار شدن عدالت را موجب می‌شود؛

۳. عدم گسترش عدالت در جامعه، عدم امنیت داخلی و خارجی را سبب خواهد شد؛

۴. عدم بسط عدالت، بی‌اعتقادی مردم به حکومت و ازاله مشروعیت و مقبولیت حکومت را موجب خواهد شد.

در کنار موارد فوق، مصادیقی فراوان از عدم وجود عدالت در جامعه به واسطه قاضی فاقد صلاحیت می‌توان برشمرد، لکن نکته حائز اهمیت در این میان، تحلیل تردید در صلاحیت قاضی و مبانی حقوقی آن در منظر فقه امامیه است.

### تردید در صلاحیت قاضی در مبانی فقهی

تردید<sup>۲</sup> عبارت است از شک در شایستگی و صلاحیت، که همان توانایی و شایستگی فرد برای قضاوت (با لحاظ اوصاف قاضی) است. این مهم، جز در سایه نظارت و رسیدگی محقق نخواهد شد. نظارت بر اعمال قضات و اعمال تنبیه در صورت تخلف قاضی، از جمله مسائلی است که در طول تاریخ تمدن بشری به طور دائم، مورد توجه حاکمیت‌ها بوده است. در جمهوری اسلامی ایران نیز از زمان شکل-

۱. «الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ النَّوَّائِسَ شَكَتْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شِدَّةَ حَرِّهَا، فَقَالَ لَهَا عَزَّ وَ جَلَّ: اسْكُتِي؛ فَإِنَّ مَوَاضِعَ الْقَضَاءِ أَشَدُّ حَرًّا مِنْكَ!» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۶۷۳).

۲. تردید را به دودله نمودن (صفی پوری، منتهی‌الارب فی لغة العرب، ذیل واژه)، زیون و فاسد گردانیدن (رامپوری، غیاث‌اللغات، ذیل واژه)، مردد بودن (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه) و ... معنی کرده‌اند. در این مقاله، شک در صلاحیت قاضی پس از انتساب وی به سمت قضاء است که می‌تواند ناشی از آرای وی، گزارشات موضوعه، تخلفات اجتماعی، روابط اجتماعی، وضعیت خانوادگی، اقتصادی، ... نشأت گرفته باشد. لذا تردید را باید نقطه مقابل تعیین فرض کرد.

گیری عدلیه به شکل نوین، در کنار سایر سازمان‌های مربوط به دادرسی، شیوه‌ای مشخص برای نظارت بر رفتار قضات تعیین شده است. بنابراین، می‌توان تردید در صلاحیت قاضی را ناشی از عملکرد وی و نتیجه واکاوی نظارت بر رفتار قضات دانست. حضرت علی (ع) فردی را که عهده‌دار منصب قضاوت شود، اما شایسته آن نباشد، مغبوض‌ترین مردم دانسته و فرد نادانی را که به ناحق بر کرسی قضاوت میان مردم نشیند به مگسی تشبیه می‌کند که در تارهای سست عنکبوت گرفتار است (انصاریان، شرح نهج البلاغه، ۷۵ - ۷۶).

ضمن توجه و دقت در مبانی<sup>۱</sup> فقهی انتخاب و انتصاب قاضی<sup>۲</sup>، فقها چنین شخصی را کسی می‌دانند که با حکومت میان مردم، در مورد اختلاف و نزاع فصل خصومت کند (معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه).

میان معنی اصطلاحی قاضی و لغوی آن نمی‌توان قائل به تفکیک شد. پیرامون جایگاه خطیر قضاوت از منظر قرآن کریم و فقه امامیه، قلم‌فرسایی‌هایی بی‌شمار شده، لکن آنچه در این مجال، اهمیت فقهی و حقوقی یافته، تردید در صلاحیت قاضی است.

بنابراین، افزون بر سخت‌گیری‌هایی که در گزینش قضات مطرح است، پس از تصدی این منصب نیز قاضی اسلامی همواره در معرض نظارت می‌باشد. حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر به برشمردن شرایط قاضی و تأکید بر حفظ استقلال و بی‌طرفی وی اکتفا نکرده و دستور داده است همواره باید عملکرد قضات مورد نظارت و بازرسی قرار گیرد.<sup>۳</sup>

سیره حکومتی آن حضرت، مبین توجه ویژه و حساسیت ایشان نسبت به مسأله نصب قاضی و نظارت بر عملکرد او است؛ تا جایی که مشهود است یکی از اصحاب خود به نام ابوالاسود دوئلی را به شغل قضاوت منصوب کرد و همان روز او را از کار برکنار نمود. دلیل عزلش را جویا شدند. حضرت فرمود: شنیدم که در محاکمه، بانگ و آواز او از آواز طرفین دعوی بلندتر بوده است (حیدرزاده، تعقیب انتظامی قضات، ۱۸).

۱. مبانی را با واژه‌های اصول، بنیان‌ها، پایه‌ها، مبناها، شالوده‌ها و مضامین مترادف دانسته‌اند (فرهنگ لغت آبادیس، ذیل واژه) و علامه دهخدا نیز واژه مبانی را در همین معانی و از جمله اساس، عبارت‌ها، بناها تعریف کرده است (لغت‌نامه، ذیل واژه). منظور از مبانی در این پژوهش، همان نظر علامه دهخدا است.

۲. قاضی یا دادرس را می‌توان شخصی دانست که در یک مسند معتبر، در اختلاف بین دو یا چند شخص، به قضاوت پرداخته و مسؤولیت صدور حکم با او است. در واقع، قضاوت، که همانا داوری کردن برای رفع نزاع و کشمکش در میان مردم است، یکی از منسب‌های بزرگی است که از جانب خداوند متعال برای پیامبر "صلوات‌الله" و امامان معصوم "علیه‌السلام اجمعین" و از جانب آنان برای فقیه جامع‌الشرایط یا اشخاص مأذون از ناحیه ایشان تعیین شده است.

۳. «... ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهَدَ قَضَائِهِ ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

با تأسیس دیوان مظالم، این حساسیت در سیره خلفای اموی و در عصر خلفای عباسی قوت گرفت. دیوان مظالم، یکی از نهادهای عمده قضایی و اداری در کشورهای اسلامی محسوب می‌شد که از صلاحیتی نامحدود برخوردار بود. یکی از آنها و شاید از مهم‌ترین صلاحیت‌ها، بازرسی و نظارت بر دستگاه‌های دولتی و اعمال و رفتار کارگزاران حکومت بوده است. بنابراین، بیان نحوه رفتار در سیره عملی امام معصوم (ع) در برخورد با قاضی و منصب قضا، بازگویی داستان و روایت و تاریخ نیست، بلکه بیان جایگاه با اهمیت و والای قضاوت و شأن قاضی است که تردید در صلاحیت آن، می‌تواند ریشه این موهبت را بخشکاند.

سخت‌تر از حد معمول مجازات کردن قاضی، به دلیل تخلفات و انحراف از مسیر حق، نشانگر اهمیتی است که نقش قاضی در اجرای عدالت دارد، چرا که نباید سبمت قضا را به هر کسی سپرد و سرنوشت، عرض و حال و مال و آزادی افراد را به دست او داد. پس از تصدی فرد به شغل مهم قضاوت نیز نباید او را بدون کنترل و نظارت رها کرد.

البته باید این نکته را مدنظر قرار داد که تردید در صلاحیت قاضی، می‌تواند منشأهایی متفاوت، از قبیل آرای صادره، گزارشات مردمی، بررسی‌های نظارتی و حفاظتی و غیره داشته باشد و چنین تردیدی قطعاً در تعارض با اصل برائت نبوده است و هیچ‌کدام با اصول فقهی اباحه و برائت نیز مخالفتی ندارد.

«بسیاری از نویسندگان فقهی یا حقوقی، مبنای اصل برائت در فقه و فرض بی‌گناهی متهم در حقوق کیفری اروپایی را "کرامت ذاتی انسانی"، "ضرورت ایجاد توازن بین طرفین دعوی"، "تضمین امنیت افراد جامعه"، "اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها"، "اصل عدم"، "اصل اباحه"، "قاعده درأ" و "قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر ترجیح اشتباه در کیفر" دانسته‌اند» (قربانی و موحدی، ماهیت برائت در فقه و حقوق، ۶۵).

در اینجا ذکر نکته‌ای بسیار مهم، حیاتی و ضروری است که اصول فوق‌الاشاره که در تردید بین مجرمیت و برائت حادث می‌شود، همه از حقوق خصوصی و روابط اجتماعی افراد حکایت دارند؛ در حالی که منصب قضا، جزء حقوق قاضی تلقی نشده و بلاشک صرفاً جایگاهی امانت‌محور در جهت فصل خصومت بین افراد و مأذون از دیگری است. شاید همین حل و فصل مشکل انسان‌ها موجب آن شده است که در همه جای دنیا برای قضات، احترامی خاص قائل هستند، زیرا قضاوت با ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و عدالت سروکار دارد و هر تصمیمی می‌تواند جامعه را دچار تحول کند.

با اندک نگاهی به جامعه جهانی می‌توان دریافت در هیچ کجای دنیا به یک قاضی به دلیل وضع خوب یا پست مدیریتی احترام نمی‌گذارند، بلکه به دلیل وظیفه احقاق حق و داوری در میان مردم

است که برای آنها منزلت اجتماعی بالایی قائل هستند. بنابراین، می‌توان ادعان نمود که اعتبار هر حکومت و سیستم تا حد بسیار زیادی به اعتبار دستگاه قضایی آن وابسته است. دستگاه قضایی نیز با آرای صادره توسط قضات، اعتبار پیدا می‌کند، که نظرات آنان در تصمیم نهایی جامعه مؤثر است. این ضرورت، نظارت بر عملکرد قضات در صورت تردید در صلاحیت آنان و اهمیت رسیدگی به آن را، به طور مضاعف جلوه‌گر می‌نماید.

هوای نفسانی در هر مسأله‌ای ممکن است وارد شود و در مسند قضاوت نیز امکان دارد صدور رأی را با چالش‌های جدی مواجه کند؛ در حالی که صدور رأی بر مبنای عدل و عدالت، مهم‌ترین انتظار یک جامعه از سیستم قضایی خود است، زیرا عدل، نیاز اصلی حیات طیبه انسانی است. خداوند در آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»<sup>۱</sup>

بنابراین، از آنجا که قضاوت از آن خدا است و قاضی در جایگاهی الهی قرار گرفته است، در این راستا، دو مسأله اهلیت و شایستگی قاضی بسیار مهم است که می‌تواند با واژه "تردید" تداوم اهلیت دچار تزلزل شود.

#### ضرورت وجود تشکیلات قضایی در حکومت

هر مملکت و حکومتی به محاکم قضایی و دادگاه‌های صالحه نیاز دارد. دستگاه قضایی یکی از ارکان اداری کشور و یکی از ابعاد مهم حکومتی یک مملکت است؛ به گونه‌ای که انفکاک یک حکومت از تشکیلات قضایی آن غیرمعقول خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران، تنها کشوری نیست که به تشکیلات قضایی نیازمند است، بلکه در تشکیل هر نوع حکومت، در صورتی که آن حکومت بر اساس قانون پی‌ریزی شده و در آن قانون جداً مطرح باشد، صرف نظر از صحت و سقم آن قانون و صرف نظر از این که آن حکومت بر اساس حق تشکیل، یا بر اساس باطل تأسیس شده باشد، چاره‌ای از تشکیل محاکم قضایی و تأسیس مراکز دادرسی نخواهد بود (موسوی، کلمه فی القضاء یا مباحثی پیرامون بعضی مسائل قضاء، ۳).

۱. یعنی: «خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست (فولادوند، ترجمه قرآن مجید، ذیل آیه).

### مبانی فقه امامیه در ضرورت قضا

مستفاد از قرآن کریم و همچنین از روایات وارده در باب قضا این است که قضا از مناصب الهیه و از شؤونات خلفای الهی و انبیا و اوصیا می‌باشد و به این دلیل لازم می‌آید که قاضی در دایره نصب و جعل الهی یا نصب و جعل کسی که نصب او در حکم الهی است، قرار بگیرد، تا این که واجد حق تصدی قضا بوده و صلاحیت اشتغال به آن را داشته باشد. آیه شریفه ۲۶ از سوره مبارکه ص: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»<sup>۱</sup> بر این مطلب دلالت دارد (موسوی، کلمه فی القضاء یا مباحثی پیرامون بعضی مسائل قضاء، ۱۳۱).

### ظهور تردید

در مبحث تردید در صلاحیت قضات، بهتر آن است که جایگاه ظهور تردید بررسی و مصادیق آن احصا شود تا اهمیت تردید و اثرگذاری آن در باب قضاوت و در واقع، جایگاه رفیع کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات مشخص شود.

اساساً داوری میان دو انسان، فارغ از مذهب، ملیت، جنسیت و شؤون اجتماعی ایشان؛ به ویژه اگر با حیثیت و سرنوشت و امثال آن گره خورده باشد، بسیار خطیر خواهد بود. اخلاق حرفه‌ای یک قاضی در مقایسه با سایر مشاغل، بالاترین ضریب حساسیت رفتار شغلی را دارد. او بر لبه پرتگاه‌های هراس‌انگیزی به حرکت درآمده است، که گاه بروز خطایی، سرنوشت انسانی را به دست او دگرگون می‌سازد. از پیامبر اکرم (ص) روایتی عجیب وارد شده است که فرمود: زبان قاضی میان شراره آتش است تا داوری او پایان یابد و در این صورت، یا به سوی بهشت می‌رود یا دوزخ<sup>۲</sup> (ادیبی مهر، سلوک د/درسی در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۶۷).

بنابراین، با عنایت به اهمیت قضا و شأن آن، حتی در صورت عدم وجود شکایت علیه قاضی یا برائت از اتهامات وارده، کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات مجاز خواهد بود بررسی لازم را انجام

۱. یعنی: «ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و زنجار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت خواهند داشت» (فولادوند، ترجمه قرآن مجید، ذیل آیه).

۲. «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن سلمة بن الخطاب عن علی بن سیف، عن سلیمان بن عمرو بن أبی عیاش، عن أنس بن مالک، عن النبی صلی الله علیه و آله قال: لسان القاضی بین جمرتین من نار حتی یقضی بین الناس، فإما إلى الجنة، و إما إلى النار» (حر عاملی، وسائل الشیعه الی مسائل الشریعه، ۱۵۷/۱۸ و ۱۶۷).

دهد و نظر خویش را بیان کند.

در فرض پیش گفته، مواردی متعددی از آرای محاکم انتظامی قضات وجود دارد که علیرغم براءت قاضی از اتهامات وارده، کمیسیون تأیید صلاحیت، اشتغال مجدد ایشان را در منصب قضا جایز ندانسته و نمی‌دانند.

### جایگاه قانونی تردید در صلاحیت قضات

قانون رسیدگی به صلاحیت قضات، در سال ۷۶، در ماده یک خود اشعار داشته است: «رسیدگی به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرحه در این قانون مورد تردید است از طریق محکمه عالی انتظامی قضات، که متشکل از ۳ نفر قضات گروه ۸ خواهد بود صورت می‌گیرد. عزل و نصب این قضات با رئیس قوه قضائیه است» و در ماده ۲ همان قانون افراد ذی‌صلاح در بیان تردید را در قالب: رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رؤسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات، دادستان انتظامی قضات، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نسبت به قضات این سازمان، احصاء نموده است. با اعلام تردید مقامات احصاء شده، موضوع به کمیسیون کارشناسی مرکب از: معاون قضائی رئیس قوه قضائیه، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری، معاون قضائی رئیس دیوان عالی کشور، معاون قضائی دادستان کل کشور، دادستان انتظامی قضات ارجاع می‌شود که به طریق مقتضی بررسی و نتیجه حداکثر ظرف ۳ ماه به محکمه گزارش خواهد شد.

این شیوه رسیدگی با تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات در سال ۹۲، تا حدودی دچار تغییر و تحولی بنیادین گردید و عنصر قانونی تردید نسبت به صلاحیت قضات را باید در ماده ۴۵ قانون نظارت بر رفتار قضات جستجو نمود. بدیهی است پس از وصول مستندات تردید در صلاحیت قاضی از سوی مقامات مندرج در ماده ۴۴ قانون نظارت بر رفتار قضات، کمیسیون مربوط تشکیل جلسه می‌دهد و با بررسی دقیق و موشکافانه موضوع؛ به نحوی که حرمت شأن قضاوت و قاضی حفظ شود، به اتخاذ تصمیم مبادرت می‌نماید و رأی اکثریت ملاک اعتبار است.

البته باید این نکته را متذکر شد که بر اساس ماده ۴۰ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۲/۲/۳۰، که اشعار می‌دارد: «کمیسیون می‌تواند نمایندگان را برای تحقیق و بررسی به محل اعزام نماید. کلیه مدیران قضایی استان‌ها و ادارات ذی‌ربط مکلفند همکاری لازم را با نمایندگان اعزامی بعمل آورند و کلیه اسناد و مدارک و مستندات را در اختیار آنها قرار دهند». بدیهی است رسیدگی کمیسیون محرمانه بوده و بر اساس ماده ۴۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار



قضات<sup>۱</sup>، و در تحقیقات لازم باید به حیثیت قاضی و تشکیلات قضایی خدشه وارد نشود.

### استصحاب در تردید

از آنجا که اصل در مقام مباحث<sup>۲</sup> عنه وجود صلاحیت است، لذا تردید در صلاحیت را باید اثبات نمود و مطابق اصل استصحاب، باید تأیید صلاحیت را استمرار دانست. بنابراین، تردید در اصل، نیازمند بررسی مجدانه است، که این خود مستلزم دعوت از قاضی مورد نظر و دادن حق دفاع و استماع دفاعیات ایشان است. مطابق ماده<sup>۳</sup> ۴۳ آیین‌نامه بر رفتار قضات<sup>۴</sup>، از قاضی مورد نظر دعوت بعمل می‌آید تا در جلسه<sup>۵</sup> کمیسیون تردید حضور یابد و دفاعیات و توضیحات خویش را بیان کند.

همانگونه که بیان شد هدف رفع تردید از قاضی دستگاه قضائی با حفظ شؤون قضاوت و شخصیت ایشان است. لذا در صورت درخواست استمهال ایشان در راستای تدارک مستندات و دفاعیه، مهلت کافی به ایشان داده خواهد شد، لکن عدم حضور قاضی مانع رسیدگی نخواهد بود و مستند به ماده<sup>۶</sup> ۴۴ آیین‌نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات<sup>۷</sup>، در صورتی که رأی اکثریت اعضای کمیسیون بر عدم صلاحیت قاضی باشد، پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صلاحیت ارسال می‌گردد. در ادامه ماده<sup>۸</sup> ۴۴ آمده است: «و الا بایگانی خواهد شد».

در موضوعی با این اهمیت، چنین نگارشی از متن قانون توسط دستگاه قضایی پسندیده نبوده و نیست، زیرا آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات در اجرای ماده<sup>۹</sup> ۵۵ قانون مذکور<sup>۱۰</sup>، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی، و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری تنظیم و طی بخشنامه<sup>۱۱</sup> شماره ۹۰۰۰/۱۰۴۳۶/۱۰۰ به تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ توسط ریاست وقت قوه قضائیه ابلاغ گردید و زبینه بود که تکلیف پرونده تردید قاضی در صورت رفع سوء تفاهم، تعیین تکلیف شود که می‌توانسته برائت،

۱. ماده<sup>۱۲</sup> ۴۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات: «رسیدگی کمیسیون محرمانه بوده و تحقیقات لازم باید تا حد امکان، به گونه‌ای انجام شود که حیثیت قاضی مزبور و تشکیلات قضایی مخدوش نگردد».

۲. ماده<sup>۱۳</sup> ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات: «در صورت تکمیل تحقیقات، پرونده در جلسه کمیسیون مطرح و قاضی که در صلاحیت او تردید شده است؛ به نحو مقتضی دعوت و پس از تفهیم جهات تردید در صلاحیت، توضیحات وی استماع و در صورت استمهال، مهلت کافی جهت تدارک دفاع داده می‌شود. عدم حضور قاضی مورد نظر مانع رسیدگی نخواهد بود».

۳. تبصره - وقت جلسه باید طوری تعیین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به قاضی و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد».

۴. ماده<sup>۱۴</sup> ۴۴ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات: «در صورتی که رأی اکثریت اعضای کمیسیون بر عدم صلاحیت قاضی باشد پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صلاحیت ارسال و الا بایگانی خواهد شد».

۵. ماده<sup>۱۵</sup> ۵۵ قانون نظارت بر رفتار قضات: «آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف سه ماه توسط وزارت دادگستری با همکاری دادستان، تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

احراز تداوم صلاحیت و... باشد. لذا استفاده از واژه «و الا بایگانی خواهد شد» فاقد اثر حقوقی است؛ البته در صورت فوت قاضی مبحث<sup>۱</sup> عنه، با بازخریدی یا بازنشستگی یا انفکاک از خدمت قضایی، رسیدگی به پرونده متوقف و بایگانی می‌گردد.

نقد وارده بر ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات در مطلب فوق نیز قابل مشاهده است و تکلیف تضييع حقوق عوام‌الناس مشخص نمی‌شود و چنین به نظر می‌رسد که آیین‌نامه مذکور بدون هنجارشکنی، بیشتر در پی حمایت از شأن قضات و جلوگیری از خدشه‌دار شدن سیستم قضایی بوده است و در قانونی که استمهال برای لایحه دفاعیه و حق تجدیدنظرخواهی برای قاضی در نظر گرفته شده است (ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات<sup>۱</sup>) شایسته بود حقوق تضييع شده مردم در صورت اثبات تردید در صلاحیت قاضی یا اثبات تخلفات قضائی، بهتر اندیشیده می‌شد که این به صواب نزدیک‌تر است؛ گرچه از عمومات مقررات قانونی، ناظر به مسئولیت مدنی و کیفری افراد، از جمله قضات، امکان مراجعه متضرر و ذی‌نفع به مرجع قضایی صالح متصور می‌باشد.

### نتیجه

مبانی فقه امامیه بر این نظر استوار است که ضرورت دارد حکومت اسلامی علاوه بر انتصاب و گزینش قاضی، کسانی را به عنوان ناظر بر عملکرد او بگمارد و عنداللزوم تداوم صلاحیت ایشان را علی‌الدوام در راستای صیانت از شأن قاضی و دستگاه قضایی، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند تا اطمینان حاصل کنند که قاضی منصوب، کماکان دارای شایستگی، کفایت و اوصاف لازم برای امر مهم قضا می‌باشد. این موضوع را می‌توان به استمرار شرط فقهات و مرجعیت در شخص مرجع تشبیه کرد که ازآله هر یک از عناصر می‌تواند شرط مرجعیت را متزلزل نماید. قانون‌گذار در قانون نظارت بر رفتار قضات به بیان مصادیق عملکردی منجر به تردید در صلاحیت اشاره ننموده است و همچنین به چگونگی ارتباط وصف کیفری فعل منجر به تردید در صلاحیت و رسیدگی کیفری با موضوع رسیدگی به تردید در صلاحیت و به عبارت دیگر، منوط بودن رسیدگی به تردید در صلاحیت یا عدم آن به احراز ارتکاب جرم در مرجع قضایی صالح پرداخته نشده است.

عدم تعیین تکلیف نسبت به آرای که قاضی سلب صلاحیت شده در بازه زمانی ارتکاب به فعل، منجر به سلب صلاحیت تا زمان صدور رأی و انفکاک وی از منصب قضا، نیز از جمله خلأهای موجود در قانون نظارت بر رفتار قضات می‌باشد.

۱. ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات: «محکوم‌علیه می‌تواند تقاضای تجدیدنظر خود را ظرف مهلت مقرر در ماده ۴۸ قانون به دفتر دادگاه عالی صلاحیت تقدیم نماید».

بنا به مراتب فوق، بازنگری در قانون موصوف به منظور توجه بیشتر به شأن قضا و قاضی و ارتقای سلامت در دستگاه قضایی و در نتیجه، جاری ساختن عدالت واقعی در جامعه، امری انکارناپذیر است.

### فهرست منابع

قرآن کریم؛

نهج البلاغه؛

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین [شیخ صدوق]، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، جماعه المدرّسین فی الحوزه العلمیه، قم، بی تا، چاپ دوم؛
۲. ادیبی مهر، محمد، سلوک دادرسی در فرهنگ و تمدن اسلامی - اخلاق حرفه‌ای قضاء، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش؛
۳. انصاریان، حسین، شرح نهج البلاغه، پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش، چاپ سوم؛
- حیدرزاده، هادی، تعقیب انتظامی قضات، آزاده، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش، چاپ دوم؛
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱ ه.ش؛
۵. رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین، غیاث اللغات، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش، چاپ دوم؛
۶. صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغه العرب، تصحیح و تعلیق: محمدحسن فؤادیان و علیرضا حاجیان‌نژاد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش؛
۷. عاملی، محمد بن حسن [حر عاملی]، وسائل الشیعه الی مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربیه، بیروت، بی تا؛
۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش، چاپ بیستم؛
۹. فرهنگ لغت آبادیس، برگرفته در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۰، ساعت ۱۵:۰۰ از سایت اینترنتی: <https://dictionary.abadis.ir/?Intype=fatoen,dekhoda,fatofa,moeen,amid,name,wiki,wikiislamic&word=%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C&from=ac>
۱۰. فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن مجید، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش / ۱۴۱۸ ه.ق؛
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - انتشارات ریاست جمهوری؛
۱۲. قربانی، علی و موحدی، جعفر، "ماهیت برائت در فقه و حقوق"، مجله حقوق دادگستری، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۱ - ۸۵؛
۱۳. مجله طوبی، "اخلاق قضاوت از دیدگاه اسلام (۱)"، اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۵، برگرفته از سایت اینترنتی پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه به نشانی:

[https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3280/4979/43109/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82-%D9%82%D8%B6%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-\(1\)](https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3280/4979/43109/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82-%D9%82%D8%B6%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-(1))

۱۴. محمدی ری شهری، میزان/الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵؛

۱۵. موسوی، مجتبی، کلمه فی القضاء یا مباحثی پیرامون بعضی مسائل قضاء، اقبال، تهران، ۱۳۶۷؛

۱۶. موسوی خمینی، روح الله [امام خمینی (ره)]، شرح چهل حدیث (ربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰ ه.ش، چاپ بیست و چهارم